



دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری  
دانشکده منابع طبیعی ساری  
گروه مرتع و ابخیزداری

موضوع:

بررسی اثر رقابت در بهره برداری بر وضعیت مرتع  
( مطالعه موردی مراتع ییلاقی دماوند شهرستان آمل )

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
رشته مرتعداری

نگارش

حمید رضا سعیدی گراغانی

استادان راهنما:

حسین بارانی

قدرت اله حیدری

استاد مشاور:

سید زکریا علوی

مهر ۱۳۹۰

### چکیده

مراتع کشور با سطحی معادل ۸۶ میلیون هکتار بیش از ۵۳ درصد از مساحت ایران را در بر می‌گیرد. تردیدی وجود ندارد که این عرصه وسیع بستر تداوم حیات و توسعه پایدار کشور بشمار می‌آید و مدیریت آن بدون توجه به ابعاد جمعیت و وضعیت اجتماعی و اقتصادی بهره‌برداران آن امکان پذیر نخواهد بود. هدف این مطالعه، بررسی رقابت در بهره‌برداری و تأثیر آن بر وضعیت و میزان تولید علوفه مراتع است. این تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی و مبتنی بر راهبرد پیمایشی است که در سامان‌های عرفی مراتع ییلاقی دماوند بخش لاریجان در استان مازندران انجام شده است. در این راستا ۱۵ سامان عرفی در سه شیوه بهره‌برداری انتخاب گردید و با توجه به اهداف و فرضیات تحقیق، ۸۸ پرسشنامه از طریق مصاحبه مستقیم با بهره‌برداران (صاحبان پروانه چرا) در منطقه تکمیل گردیده است. وضعیت مراتع در سامان‌های عرفی نمونه نیز با استفاده از روش چهار فاکتوری و میزان تولید علوفه از طریق روش قطع و توزین اندازه‌گیری شده است. جهت بررسی رقابت و ارائه راهکار مناسب برای حفظ پایداری اجتماعی و اکولوژیکی مراتع در این پژوهش چهار شاخص وضعیت اقتصادی بهره‌برداران، تعدد بهره‌بردار، مدیریت چرا و شیوه بهره‌برداری به عنوان عوامل ایجاد رقابت در سامان‌های عرفی انتخاب شده و تأثیر هر کدام از آن‌ها بر روی وضعیت و میزان تولید علوفه مراتع اندازه‌گیری و ارزیابی گردید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد نوع حقوق عرفی (شیوه بهره‌برداری) بر وضعیت و تولید علوفه مرتع اثر معنی‌داری داشته است و مقایسه میانگین‌ها نیز نشان داد در شیوه بهره‌برداری افزاینده وضعیت و تولید علوفه وجود دارد. نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد بین شاخص‌های وضعیت اقتصادی بهره‌برداران در سامان‌های عرفی با وضعیت و میزان تولید علوفه رابطه معنی‌داری وجود ندارد. نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد بین تعداد بهره‌برداران هر سامان عرفی با وضعیت و تولید مرتع رابطه منفی وجود دارد. همچنین یافته‌های تحلیل همبستگی نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین رعایت شاخص‌های مدیریت چرایابی با وضعیت و تولید علوفه مراتع وجود دارد. به طوری که هر چه میزان رعایت شاخص‌های مدیریتی در مراتع افزایش می‌یابد وضعیت و میزان تولید علوفه دام نیز افزایش می‌یابد.

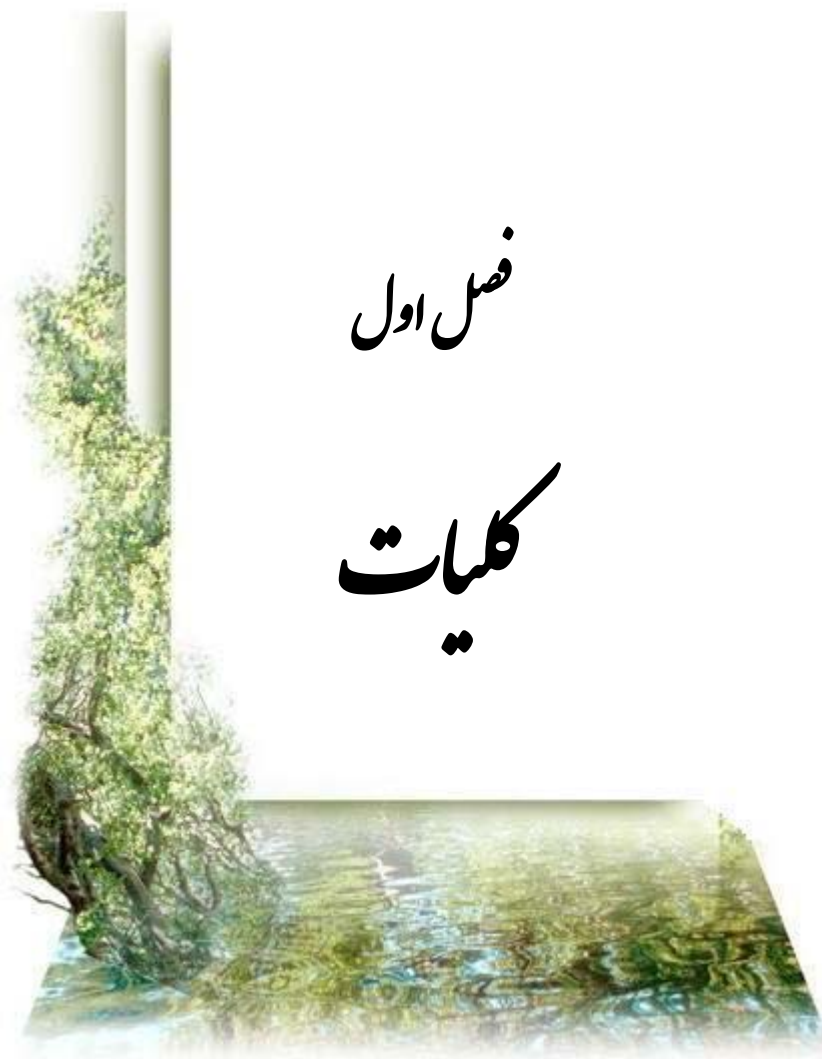
**کلمات کلیدی:** رقابت در بهره‌برداری، وضعیت مرتع، شیوه بهره‌برداری، میزان تولید، مراتع ییلاقی دماوند

## Abstract

The extent of Iranian rangelands is about 86 million hectares more than 53 percent of the total area of Iran. There is no doubt that these areas are beds for continuity of life and development of our country and sound management of these areas is not possible without considering population size and socio-economic condition of stakeholders. The purpose of this study is also investigating competition in rangeland exploitation and its influence on rangeland condition and forage production. This study is a kind of descriptive-correlation study and is based on a survey strategy that was performed in the summer rangeland of Damavand in Larijan District of Mazandaran province. In this regard 15 pastoral units were selected under the three exploitation styles according to the objectives and hypotheses, and 88 questionnaires via direct interviews with interest stakeholders (license holders) has been completed in the region. Rangeland conditions and production were evaluated and measured in the pastoral units using four-factor and cutting-weighting methods respectively. To investigate the competition and find a suitable mechanism for conservation of rangelands and socio-ecological rangelands sustainability, four indicators were selected and analyzed as measure of competitive factor in rangelands exploitation: household economic condition index, the number of pastoralist in pastoral units, grazing management and exploitation style. The findings indicate that common law (methods of exploitation) have meaningful effects on rangeland condition and forage production and mean comparing also indicated that fragmented exploitation style significantly resulted the better condition and forage production amongst all. The results of correlation tests show that there is no significant relationship between indicators of pastoralists economic condition and the rangelands condition and forage production. The results show also a negative relationship between the number of pastoralists in each pastoral unit and the rangeland condition and forage production. The results of correlation analysis showed a positive and significant relationship between the observed indicators of grazing management and rangeland condition and forage production so that rangeland condition and Forage production increase with increase in level of grazing management indicators in rangeland.

**Keywords:** competition in the exploitation, Rangeland conditions, rangelans exploitation style, forage production, Damavand summer rangeland

# فصل اول کلیات



## ۱-۱- مقدمه

مراعات کشور با سطحی معادل ۸۶ میلیون هکتار بیش از ۵۳ درصد از مساحت ایران را در بر می‌گیرد (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۷). تردیدی وجود ندارد که این عرصه وسیع علاوه بر اینکه از جمله حیاتی‌ترین بسترهای تداوم حیات و توسعه پایدار به شمار می‌آید، شالوده‌ی اساسی بسیاری از رقابت‌های اقتصادی و اجتماعی مانند تولید علوفه، زمان ورود و خروج دام به مرتع، تعداد دام، تغذیه دام سنتی، بهره‌برداری هر چه بیشتر از مرتع و ... است. اما گسترش فعالیت‌های تولیدی اعم از بخش کشاورزی، منابع طبیعی و دیگر بخش‌های اقتصادی و رشد روزافزون جمعیت و تقاضا از یک سو و درهم ریختگی نظام‌های سنتی مدیریت جامع و عدم جایگزینی مناسب برای آن، وضعیت نامناسبی را در این عرصه‌ها به وجود آورده به طوری که آمارهای ارائه شده از تخریب مراتع مؤید این نکته است. بخش مهمی از مراتع در چارچوب نظام سنتی بهره‌برداری می‌گردند و اهمیت شناخت دقیق این نظام‌ها در مدیریت و بهره‌برداری مراتع امری ضروری است (ازکیا، ۱۳۷۳) در بهره‌برداری اصولی و پایدار مراتع مدیریت را باید تلفیقی از دو بعد اکولوژیکی و اجتماعی دانست (اکلی و مارسدن، ۱۹۸۹). با بررسی نظام‌های مرتعداری در مراتع ایران مؤلفه‌های اکولوژیکی، وضعیت پوشش گیاهی و مشخصات فنی مراتع از عوامل شکل‌گیری نظام‌های مدیریت چرا و بهره‌برداری از مراتع است (پاپلی یزدی و لباف خانیکی، ۱۳۷۹). بنابراین در مدیریت و اجرای پروژه‌های اصلاح و احیا به کارگیری اصول مرتعداری در صورتی امکان‌پذیر است که ارزش طبیعی و بوم‌شناختی مرتع در ارتباط با شرایط اجتماعی با تأکید بر سه عنصر انسان، دام و مرتع در واحدهای اقتصادی در نظر گرفته شود (رنگاوران، ۱۳۷۹).

شناخت تغییرات در خصوصیت کمی و کیفی مرتع به وضعیت مرتع بر می‌گردد و می‌توان گفت شناخت وضعیت، همان شناخت تغییرات است و هدف از اندازه‌گیری این تغییرات در وضعیت نیز تمایل برای تولید طولانی مدت و پایداری مراتع می‌باشد. ارزیابی وضعیت مرتع، مدیر مرتع را در مورد

بهبود یا کاهش تولید مرتع آگاه می‌سازد و وی را در مدیریت آن راهنمایی می‌کند و می‌توان گفت وضعیت مرتع مهمترین شاخصی است که ارزیابی آن در مدیریت مرتع لازم است (هانسینگر و هوپکینسون، ۱۹۹۶). ارزش آگاهی از وضعیت مرتع در این است که اگر مرتع در وضعیت اکولوژیک عالی قرار داشته باشد، راهبردها باید در جهت نگهداری وضعیت به کار گرفته شوند و اگر وضعیت مرتع تنزل یابد، راهبردها باید در جهت بهبود وضعیت اتخاذ شوند (ارزانی و همکاران، ۱۳۸۳). وضعیت مرتع رابطه قوی با تعداد بهره‌بردار، تعداد دام در واحد سطح، زمان شروع بهره‌برداری، تعداد دفعات چرایی و ... دارد بنابراین عوامل ایجاد کننده فشار بر مرتع مانند رقابت در بهره‌برداری بین دامداران در یک سامان عرفی یا بین سامان‌های عرفی دیگر باعث تضعیف وضعیت مراتع می‌شود. در این پژوهش برای تعیین وضعیت مرتع از روش چهار فاکتوری تعدیل شده استفاده شد (بارانی، ۱۳۷۵).

با جمع‌بندی مطالعات صورت گرفته می‌توان این گونه نتیجه گرفت که ارزیابی رقابت در شیوه‌های مختلف بهره‌برداری و تأثیر آن بر وضعیت مرتع امری ضروری است و نتیجه به دست آمده می‌تواند نقاط قوت و ضعف مدیریت در مراتع را برای بهبود وضع موجود برجسته ساخته و معرفی نماید، همچنین باید در مدیریت و طراحی، اجرا و ارزیابی پروژه‌های منابع طبیعی و مرتعداری علاوه بر مسائل و جنبه‌های فنی به ابعاد اجتماعی نیز توجه کافی مبذول شود و مؤلفه‌ها و شاخص‌های اجتماعی که سهم قابل توجهی را در فرآیند ارزیابی دارند شناسایی شوند.

## ۱-۲- بیان مسئله و بیان اصلی تحقیق

نقش زیر بنایی مراتع در توسعه و پایداری تولید فراتر از تولید مستقیم علوفه و تأمین نیاز غذایی دام است (عصاره و سید اخلاقی، ۱۳۸۸). امروزه با افزایش جمعیت و نیاز روز افزون به مواد غذایی، ضرورت بهره‌برداری پایدار و مدیریت علمی در منابع طبیعی بخصوص مراتع در فرآیند توسعه پایدار از

اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار است. بی تردید این ضرورت ایجاب می‌کند که بهره‌وری و رشد بخش منابع طبیعی بخصوص مدیریت مراتع در برنامه‌های توسعه‌ای به‌طور مستمر ارتقاء یابد (حیدری، ۱۳۸۸). مدیران و دست‌اندرکاران منابع طبیعی معتقدند، مدیریت و بهره‌برداری مطلوب از مراتع باید در چارچوب‌های علمی و با در نظر گرفتن حفظ منابع خاک، آب و گیاه انجام گیرد (دستور العمل تهیه طرح‌های مرتع‌داری، ۱۳۸۴). در گذشته به دلیل ضوابط عرفی در مراتع تناسب تقریبی جمعیت بهره‌بردار و تعداد دام عملاً مشکلی در بخش مدیریت مراتع وجود نداشته است (معین‌الدین، ۱۳۷۲). تعداد بهره‌بردار ارتباط قوی با وضعیت مرتع و عوامل متأثر از آن دارد و مدیریت مرتع در قالب کمترین تعداد بهره‌بردار باعث بهبود وضعیت مرتع می‌شود (رنگاوران و همکاران، ۱۳۸۳). در حال حاضر مشکلات مدیریت مراتع کشور تعدد بهره‌بردار، تعداد زیاد دام و بهره‌بردارانی با بنیه اقتصادی پائین بوده که شرایط لازم برای سرمایه‌گذاری و توسعه مراتع را با چالش مواجه می‌نمایند (عصاره و سید اخلاقی، ۱۳۸۸). با تغییر و تحول در مالکیت مراتع بویژه مدیریت مرتع و ورود تکنولوژی مدرن در سال‌های اخیر فرهنگ بهره‌برداری و استفاده از مراتع توسط عشایر تحت تأثیر قرار گرفته و اندک اندک پیوندهای محکم ایلی سست شده است. یعنی سازگاری فرد با بافت ایلی سست شده و یک انسان ایلی به فردیت خود بیشتر اهمیت می‌دهد زیرا یکی از خصلت‌های مدرنیته، خود آگاهی (به مفهوم عام) و برجستگی فرد در زمینه اجتماع می‌باشد (مجیدی، ۱۳۷۸). بنابراین نظام‌های بهره‌برداری تبدیل به صحنه رقابتی می‌شود که هر کس می‌خواهد بیشترین سود را نصیب خود کرده و مفهوم انتفاع دسته‌جمعی کم رنگ می‌شود (پاپلی یزدی و لباف خانیکی، ۱۳۸۰). با توجه به موارد فوق در این تحقیق سعی بر این است تا با شناخت عوامل مختلف رقابت بین بهره‌برداران راهکارهای عملی برای کاهش آسیب و تخریب مراتع و بهبود وضعیت آن ارائه شود، همچنین به نظر می‌رسد شناخت ابعاد رقابت در مرتع گامی موثر و ضروری برای مدیریت پایدار و همه‌جانبه در مراتع با مالکیت‌های جمعی خواهد بود.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، مطالعه حاضر سعی دارد به سوالات زیر پاسخ دهد:

- ۱- آیا بین وضعیت اقتصادی بهره‌برداران با وضعیت مرتع ارتباط وجود دارد؟
- ۲- آیا بین تعداد بهره‌بردار با وضعیت مرتع ارتباط وجود دارد؟
- ۳- آیا بین مدیریت چرا با وضعیت مرتع ارتباط وجود دارد؟
- ۴- آیا بین شیوه و سابقه بهره‌برداری با وضعیت مرتع ارتباط وجود دارد؟

### ۳-۱- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین وضعیت اقتصادی بهره‌برداران با وضعیت مرتع ارتباط وجود دارد.
- ۲- بین تعداد بهره‌بردار با وضعیت مرتع ارتباط وجود دارد.
- ۳- بین مدیریت چرا با وضعیت مرتع ارتباط وجود دارد.
- ۴- بین شیوه و سابقه بهره‌برداری با وضعیت مرتع ارتباط وجود دارد.

### ۴-۱- اهداف تحقیق

- ۱- معرفی و شناسایی عوامل مؤثر اقتصادی و اجتماعی رقابت در بهره‌برداری بر وضعیت مراتع
- ۲- ارائه راهکارهای کاهش مشکلات و موانع رقابت بین دامداران در بهره‌برداری از مرتع
- ۳- تعیین سهم هر یک از عوامل مؤثر در رقابت در بهره‌برداری بین دامداران بر وضعیت مرتع

### ۵-۱- تعاریف و مفاهیم



### مرتع

بر اساس تعریفی که در سال ۱۳۸۳ توسط انجمن مرتعداری ایران ارائه شد، مرتع زمینی است اعم از کوه و دامنه و یا زمینی مسطح با پوششی از نباتات طبیعی خودرو که پوشش گیاهی آن غالباً علفی، بوته‌ای، درخچه‌ای و یا به صورت پراکنده دارای درخت بوده و به عنوان منبع تولید غذا برای دام اهلی و حیات وحش و یا سایر مواهب طبیعی مورد استفاده قرار گیرد (مواهب طبیعی عبارتند از حفظ خاک، تعدیل و ذخیره آب، تلطیف هوا، گردشگری، حفظ ذخایر ژنتیکی، زیستگاه حیات وحش، محصولات غیر علوفه‌ای و ارزش‌های غذایی، صنعتی و دارویی).

### مرتعداری

مرتعداری عبارتست از اداره اکوسیستم مرتع به منظور بدست آوردن استفاده بهینه از منابع و تولیدات و سرویس‌های آن با تأکید بر حفاظت آب و خاک و سرانجام محیط زیست (مقدم، ۱۳۸۶).

### دامداری

نگهداری دام با تکیه بر تامین تمامی و یا قسمت اعظم خوراک دام از طریق مرتع و پس چرا باقیمانده از زراعت است (مقدم، ۱۳۸۶).

### مراتع بیلاقی

عموماً در مناطق کوهستانی و ارتفاعات بالا و به ویژه در رشته کوه‌های البرز و زاگرس و سایر مناطق کوهستانی قرار دارند. این مناطق به علت شروع سرمای زودرس دارای طول دوره رویشی

گیاهی کوتاه بوده و فقط در اواخر بهار و تابستان به عنوان مراتع تابستانی مورد استفاده قرار می‌گیرند (اسکندری و همکاران، ۱۳۷۷).

### مراتع قشلاقی

مراتع قشلاقی در دشت‌های پست و دامنه‌های و کوهپایه‌ها و بعضاً کوهستان‌های گرم و یا در مناطق با عرض جغرافیایی کم واقع شده است و در این مناطق رویش گیاهان در فصول سرد امکان پذیر بوده و در طول پاییز و زمستان مورد چرای دام قرار می‌گیرد (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۷).

### مرتعدار (بهره‌بردار مرتع)

شخص حقیقی یا حقوقی است که عرفاً سابقه مرتعداری یا بهره‌برداری از مرتع مشخصی را داشته باشد و ذیحق بودن آن منوط به داشتن پروانه چرا و یا طرح مرتعداری واگذار شده است که توسط هیئت‌های ممیزی تشخیص و تعیین صلاحیت می‌گردند (طرح تدوین ضوابط و معیارهای فنی آبخیزداری و منابع طبیعی، ۱۳۸۴).

### دامدار

دامدار کسی است که خود اداره واحد دامداری را عهده‌دار است و یا در اداره این واحد از همکاری افراد خانواده یا کارگر مزدبگیر استفاده می‌نماید (قاسمی، ۱۳۸۰).

### دامدار مجاز

دامدار دارای پروانه چرای دام و یا طرح مرتعداری است که تعلیف دام‌های خود از مراتع استفاده می‌نماید (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۷).

### واحد دامداری

عبارتست از یکسری دام با محدوده مشخص که تعداد معینی واحد دامی در آن مشغول به تعلیف و استراحت می‌باشند (ابراهیم پور، ۱۳۷۹).

### واحد دامی

هر رأس گوسفند معادل یک واحد دامی محسوب می‌شود و برای سایر دام‌ها متناسب با نیاز علوفه‌ای آنها در مقایسه با گوسفند به شرح زیر محاسبه می‌شود:

گاو و گاو میش ۵ واحد دامی، بره و بزغاله تا شش ماهگی ۰/۶ واحد دامی، گوساله شش ماهه تا یک ساله ۲/۵ واحد دامی و بز معادل ۰/۸ واحد دامی (قاسمی، ۱۳۸۰).

### طرح مرتعداری

مجموعه اقداماتی که به منظور اعمال مدیریت مراتع و با هدف حفظ، احیا، توسعه و بهره‌برداری صحیح در محدوده‌های معینی از مراتع تدوین و پس از تصویب توسط اداره کل منابع طبیعی استان از طریق دفاتر رسمی برای اجرا به مجریان واگذار می‌شود (حجتی اشرفی، ۱۳۸۸).

### وضعیت مرتع

وضعیت مرتع عبارتست از سلامت مرتع یا به عبارت دیگر عبارتست از وضعیت مرتع در حال حاضر با مقایسه آن در مرحله کلیماکس و یا به عبارت دیگر وضعیت یک مرتع منعکس کننده تاریخچه تاثیر عوامل در گذشته و حال می‌باشد (چه عوامل فیزیکی و چه عوامل زنده) (مقدم، ۱۳۸۶).

### ظرفیت مرتع

به مجموعه‌ای از ظرفیت چرای دام اهلی و وحشی و کارکردهای مختلف زیست محیطی و اقتصادی مرتع اطلاق می‌شود (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۷).

### ظرفیت چرا

عبارتست از تعداد دامی که در مرتع مشخص و در مدت معینی می‌تواند چرا کند، بدون اینکه بر کمیت و کیفیت پوشش گیاهی و سایر منابع پایه (آب و خاک) خسارتی وارد شود (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۷).

### سامان عرفی

سامان عرفی یا محدوده عرفی عبارت است اعم از مرتع، جنگل، زمین زراعی به تنهایی یا به صورت ترکیبی از آنها که عرفاً در اشغال یک فرد، گروهی از افراد، یا یک یا چند روستا قرار داشته و عمدتاً مرزهای آن از سوی سامان‌های عرفی مجاور به رسمیت شناخته می‌شود (حجتی اشرفی، ۱۳۸۸).

### حریم روستا

عبارت است از مقدار زمین موات (اعم از: مرتع و غیره) اطراف روستا است که عرفاً به مصالح و منافع آن وابسته بوده و جهت کمال انتفاع و رفع نیازهای طبیعی مورد استفاده اهالی قرار می‌گیرد به نحوی که اگر از استفاده آن منع شوند عادتاً به زحمت افتاده و دچار مشکل گردند (ماده یک دستورالعمل مقررات و ضوابط نحوه تشخیص حریم روستا مصوب، ۱۳۶۷).

**مراتع حریم**

مرتع حریم برای روستایی تعیین می‌شود که شغل آنان دامداری نباشد، بلکه مقدار دامی داشته باشند که معمولاً در منزل نگهداری می‌شود و تعداد آنها از چند رأس تجاوز نمی‌کند. حق بهره‌برداری مرتع حریم روستا از طریق شورای اسلامی به اهالی روستا واگذار می‌شود (حجتی اشرفی، ۱۳۸۸).

**مرتع افراز**

مرتع افرازی عبارت است از مراتع تحدید حدود شده‌ای که معمولاً تک پروانه‌ای هستند و تعداد بهره‌بردار آن از یک تا چند نفر بر اساس سیاهه لیست پروانه مشخص می‌باشند و این مراتع جز انفال محسوب شده و شخص یا اشخاص استفاده کننده حق فروش آن مرتع را ندارند (طرح تدوین ضوابط و معیارهای فنی آبخیزداری و منابع طبیعی، ۱۳۸۴).

**مراتع مشاع**

در این مراتع پروانه چرا هر سامان عرفی به صورت مشاع به نام مرتع‌داران ذیحق آن سامان صادر می‌گردد و بهره‌برداران بر اساس سیاهه لیست پروانه مرتعداری از مراتع بهره‌برداری می‌نمایند این شیوه بهره‌برداری گروهی را مشاعی غیر مفروز یعنی بهره‌برداران بدون تفکیک سامان‌های عرفی به همان شیوه عرف از مراتع خود به صورت گروهی استفاده می‌نمایند. اما در مشاعی مفروز بهره‌برداران بعضی از سامان‌های عرفی بصورت عرف براساس سهم دام و مرتع افراد حدود بهره‌برداری را تفکیک می‌نمایند و به آن پایبند هستند (طرح تدوین ضوابط و معیارهای فنی آبخیزداری و منابع طبیعی، ۱۳۸۴).

**مراتع شورایی**

در این مراتع پروانه چرا به نام شورا صادر شده است و ساکنین روستا بر اساس سیاهه لیست پروانه مرتعداری از مراتع حریم روستا بهره می‌برند (طرح تدوین ضوابط و معیارهای فنی آبخیزداری و منابع طبیعی، ۱۳۸۴).

### مراتع تعاونی

حق بهره‌برداری از عرصه‌ها برای مدتی معین براساس کتابچه طرح به بومیان و ساکنین منطقه مورد نظر براساس فروش سهام وگذار می‌گردد و مردم موظفند ضمن بهره‌برداری اصولی اقدام به حفظ، احیاء، اصلاح و توسعه عرصه‌های منابع طبیعی نمایند (حیدری، ۱۳۸۸).

### فصل بهره‌برداری

مدت زمان مناسبی است که با توجه به شرایط محیطی و عرف محل و با رعایت اصول بهره‌برداری پایدار، برای چرای دام تعیین می‌گردد (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۷).

### حقوق بهره‌برداری

حقوقی است که به واسطه صدور پروانه چرای دام و یا انعقاد قرارداد اجرای طرح‌های موضوع ماده ۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن برای اشخاص ایجاد می‌شود (حجتی اشرفی، ۱۳۸۸).

### پروانه چرای دام

مجوز قانونی موقتی است که با در نظر گرفتن ظرفیت چرا، فصل چرا، مدت و سابقه بهره‌برداری در مرتع مشخص بنام شخص یا اشخاص واجد شرایط، با رعایت ضوابط مندرج در دستورالعمل ممیزی مرتع به منظور تعلیف دام از مرتع صادر می‌گردد (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۷).



فصل دوم  
بررسی پیشینه تحقیق

## ۲-۱- مقدمه

بهره‌برداری نامطلوب از مراتع کشور و تخریب روز افزون آنها یکی از مسائلی است که همواره برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشور بویژه مسئولان بخش منابع طبیعی را نگران ساخته است. بر اساس اکثر نظریه‌های اقتصادی و اجتماعی، تخریب اغلب مراتع مرتبط با مسائلی همچون رقابت در بهره‌برداری و چرای دام، چرای مفرط، زودرس و سنگین دام، شخم و تبدیل اراضی مرتعی به مزارع دیم، ضعف سیستم‌های چرای بومی و نبود مالکیت تعریف شده برای اینگونه منابع است (انصاری و همکاران، ۱۳۸۷ و خورشیدی و انصاری، ۱۳۸۲)، چرا که در چنین شرایطی هر یک از بهره‌برداران سعی می‌کنند تا با پیشدستی و رقابت در بهره‌برداری از این گونه منابع و با استفاده هر چه بیشتر از آن، حداکثر بهره اقتصادی را از منابع طبیعی در دسترس بدون آوردن آنکه نگران خسارات وارده بر آن باشند. دستیابی به هدف جلوگیری از تخریب مراتع و احیای و اصلاح آن زمانی میسر است که در وهله اول شیوه‌های صحیح بهره‌برداری در مراتع رعایت شده و مشکلات مالکیت مراتع مشخص گردد تا برنامه‌ریزی مدونی برای نظارت بر بهره‌برداری و اصلاح و احیاء مراتع از سوی سازمان‌ها و ادارات مختلف با مشارکت بهره‌برداران شکل گیرد. در این فصل، ابتدا مطالعاتی که در داخل کشور در زمینه تأثیر رقابت در بهره‌برداری بر وضعیت مرتع و عوامل مؤثر بر آن انجام شده ارائه می‌گردد و سپس مطالعات انجام شده در خارج از کشور بیان می‌شود.



## ۲-۲- بررسی مطالعات انجام شده در داخل کشور

مشایخی و عسلی (۱۳۶۶) در بررسی علل و نتایج تخریب مراتع کشور و پیشنهاد سیستم‌های اصلاحی که با استفاده از یک مدل دینامیکی انجام شده، دلایل اصلی تخریب مراتع کشور را چرای مفرط، زودرس و سنگین دام، شخم و تبدیل اراضی مرتعی به مزارع دیم، تملک اراضی مرتعی بیان داشتند. آنها این عوامل را ناشی از افزایش تقاضا و رشد روز افزون قیمت محصولات دامی نظیر گوشت قرمز می‌دانند.

باقری (۱۳۷۳) در بررسی نظام بهره‌برداری از مراتع حوزه کبکیان استان کهگیلویه و بویر احمد نشان داد که عواملی همچون مالکیت زمین، دام، آب و ابزار تولید در همکاری بین مردم و دولت بر اساس پدیده‌های علمی- اخلاقی و فلسفی نقش دارد. به عبارتی در بهره‌برداری از منابع طبیعی، مردم را نمی‌توان به استفاده عقلانی از منابع مجبور کرد مگر اینکه منابع، نیازهای آنها را تأمین کند و عملیات اجرایی متناسب با سیستم‌های اجتماعی- اقتصادی و فعالیت های آنها باشد.

پاپلی یزدی و لباف خانیکی (۱۳۷۹) با بررسی نظام‌های بهره‌برداری از مراتع بیان داشتند که مهمترین عواملی که در تعیین نظام‌های بهره‌برداری از مرتع و شیوه مالکیت نقش دارد، شرایط اقلیمی، تراکم جمعیت، ویژگی‌های تاریخی- فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی است.

خلیقی و قاسمی (۱۳۸۰) طی بررسی میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری گنبد، علی‌آباد و گرگان به این مهم دست یافتند که آگاهی دامداران از اهداف طرح های مرتعداری پدیده های رعایت فصل چرا، قرق، بوته کاری و تعدیل دام را به همراه داشته و همچنین ساختار اجتماعی دامداران را مستحکم می‌کند.

قائمی (۱۳۸۱) در بررسی دو سامان عرفی سرهلان (دارای طرح مرتعداری) و کوزه‌رش (فاقد طرح مرتعداری) در استان آذربایجان غربی اعلام داشت که سامان عرفی سرهلان بدلیل حاکمیت مدیریت مطلوب، ایجاد تعادل پایدار بین دام و مرتع، دادن مالکیت به مرتع و رعایت اصول صحیح مرتعداری در بهره‌برداری بهینه از مرتعدارای وضعیت مطلوبی بوده اما مرتع کوزه‌رش به دلیل عدم احساس مالکیت و مسولیت در بهره‌برداری، عدم صدور پروانه چرا، تشکیل گروه‌های ناسازگار و رقابت برای چرای بی‌رویه و زودرس از مرتع مذکور و عدم نظارت در بهره‌برداری دارای وضعیت نامطلوب بوده و بشدت تخریب شده است.

خورشیدی و انصاری (۱۳۸۲) در تحقیق خود روی شناخت و آگاهی عشایر و روستائیان نسبت به تخریب منابع طبیعی در دهستان بازفت استان چهارمحال بختیاری با روش خوشه‌ای وزنی و تصادفی عنوان کردند که کلیه بهره‌برداران مورد مطالعه آگاهی و دانش لازم را نسبت به تخریب منابع طبیعی و عوامل آن دارند اما مسائلی از قبیل عدم مالکیت مراتع، بوته‌کشی برای سوخت، بهم خوردن نظام ایلاتی در کوچ، رقابت در چرای دام و غیره باعث می‌شود که ناخواسته به تخریب منابع اقدام کنند.

ارزانی و همکاران (۱۳۸۳) در بررسی روند تغییرات وضعیت مراتع استان یزد در یک دوره ۵ ساله با استفاده از روش چهار فاکتوری بیان داشتند که در مراتع استپی استان یزد، عامل بارندگی جزء یکی از عوامل تاثیرگذار بر وضعیت مراتع این استان می‌باشد و می‌توان این عامل را در کنار عوامل مدیریتی نظیر کنترل چرا و یا کاهش تعداد دام یکی از موارد موثر در تعیین وضعیت مراتع برشمرد.

ارزانی و همکاران (۱۳۸۴) در بررسی حداقل مساحت مرتع مورد نیاز دامداران استان سمنان بیان نمودند که در مراتع ممیزی شده به دلیل عدم تعادل دام و مرتع، وضعیت و گرایش چندان تحت تاثیر تعداد بهره‌بردار قرار نگرفته است و عامل اساسی در تخریب مراتع ممیزی شده عدم تعادل دام و مرتع و بهره‌برداری بی‌رویه می‌باشد. مراتع دارای طرح نسبت به سایر مراتع دارای وضعیت، گرایش و تولید بهتری می‌باشند همچنین بطور کلی در استان مورد مطالعه مساحت مراتع اختصاص یافته به هر

خانوار برای چرای تعداد دامی که جهت تامین هزینه‌های یک خانوار لازم است کافی نیست و در برنامه واگذاری مراتع بصورت انفرادی در مقایسه با واگذاری مشاعی باید در اولویت قرار گیرد. خلیقی و همکاران (۱۳۸۵) در بررسی پایداری اجتماعی و اکولوژیکی شیوه‌های مختلف بهره‌برداری از مراتع بیان می‌کنند که وضعیت و گرایش مرتع در شیوه‌های مختلف بهره‌برداری با هم متفاوت بوده و در مراتعی با وضعیت و گرایش بهتر پایداری اجتماعی نیز مشابه پایداری اکولوژیکی بالاتر است، آنها شیوه بهره‌برداری افزازی را به عنوان مطلوب‌ترین شیوه بهره‌برداری در جهت حفظ وضعیت و بهبود مراتع می‌دانند.

نورعینی (۱۳۸۵) در بررسی عوامل مدیریت چرای در مراتع ییلاقی دو هزار تنکابن بیان نمود بهره‌برداران، واگذاری مراتع در قالب طرح مرتعداری مشاع را نسبت به حالت تفکیکی ترجیح می‌دهند. او معتقد است که بهره‌برداران همچنان به نظارت دولت و کارشناسان نسبت به مسائل دامداری معتقدند و تمایل داشته و تابع مراجع دولتی هستند. ایشان عامل پذیرش بهتر طرح مرتعداری مشاعی را وجود نسبت‌های فامیلی و قومی در نزد دامداران می‌داند.

امیری ملکی و همکاران (۱۳۸۷) در بررسی تأثیر طرح‌های مرتعداری بر تولید، گرایش و وضعیت مراتع در ۱۵ منطقه ییلاقی، قشلاقی و میانبند در قبل و بعد از اجرای این طرح‌های در استان قزوین اعلام داشتند که طرح‌های مرتعداری در نقاطی که دارای تعداد بهره‌بردار و دام کمتر بوده و همچنین سایر مسائل مدیریتی از جمله رعایت سیستم‌های چرای، رعایت فصل و ظرفیت چرا و غیره را مد نظر قرار داده موفق بوده که در این میان مناطق ییلاقی به علت کوتاه بودن فصل چرا و رعایت موارد ذکر شده جزو موفق‌ترین نقاط و در مقابل مناطق قشلاقی و میانبند به علت طولانی بودن زمان چرا، روستایی بودن مراتع و عدم رعایت اصول فوق‌الذکر جزء مناطق ناموفق در اجرای طرح‌های مرتعداری بوده است.

انصاری و همکاران (۱۳۸۷) در بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر تخریب منابع طبیعی در سطح ۱۱ استان کشور با روش هانری پابو نواحی و زیر نواحی رویشی مشخص و در هر ناحیه مناطق

با حداقل ۵۰۰۰ هکتار وسعت به عنوان منطقه نمونه تعیین و اندازه‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات از روستاها واقع در آنها با استفاده از پرسشنامه روستا و خانوار انجام شد. نتایج نشان دادند که مهمترین عوامل تخریب منابع طبیعی کشور عوامل مربوط به دام و دامداری شامل افزایش تعداد دام و دامدار، چرای بیرویه، چرای زودرس، چرای طولانی، چرای شدید یا خارج از ظرفیت و رقابت‌های بین استفاده کنندگان از مراتع می‌باشد.

نجفی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان عوامل مؤثر بر عدم تعادل دام و مرتع در مراتع کوه نمک شهرستان داراب اظهار داشتند که وضعیت فعلی بهره‌برداری از مراتع با هدف افزایش تولید گوشت زنده دام در تضاد بوده و بمنظور بهره‌برداری بهینه از مراتع باید میزان استفاده از مراتع را کاهش داد همچنین بیان نمودند که افزایش تعداد دام در واحد دامداری و عدم مدیریت صحیح و مناسب سبب وارد آمدن آسیب به مراتع شده است.

حسینی نسب و همکاران (۱۳۸۹) با بررسی رابطه بین نوع مالکیت مرتع و وضعیت بهره‌برداری در مراتع بیلاقی شهرستان اراک نشان داد اگر چه مالکیت مشاعی دارای معایبی است اما با توجه به کارایی و بالا بودن روحیه مشارکت در بین بهره‌برداران آن، مالکیت مشاعی را مناسب‌تر از شیوه بهره‌برداری شورایی و افرازی دانسته و همچنین بیان نمود که معایب مالکیت مشاعی را می‌توان با مدیریت صحیح بهبود بخشید و انگیزه حفظ منابع طبیعی را با برنامه‌های خاص در بین مردم بوجود آورد.

## ۲-۳- مطالعات انجام شده در خارج از کشور

ویلکوکس<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) در زمینه برخورد صرف قانونی با مشکلات موجود در زمینه مدیریت مراتع در کشور استرالیا بیان می‌کند وضع کردن قوانین تنبیهی برای متخلفان تنها راه جلوگیری از چرای بیش از حد

<sup>۱</sup> - Wilcox